

## چکیده

نوغان نام شهری کهن از خراسان بزرگ و محله‌ای قدیمی در مشهد است که در حال حاضر به قسمتی از قدیمی‌ترین بخش مشهد کنونی، واقع در شمال اماکن متبرکه رضوی اطلاق می‌گردد و به قولی باقی‌مانده بخشی از شهر قدیمی توس در قرون اولیه اسلامی است که از اهمیت و رونق خاصی برخوردار بوده و بر طابردان برتری داشته است. در پی گسترش مشهدالرضا(ع) به تدریج نوغان به بدنه این شهر نوظهور متصل شده و تحت‌الشعاع اهمیت آن قرار گرفته است. به‌طوری که اکنون از این شهر قدیمی تنها نامی بر محله‌ای که احتمالاً در همان حدود جغرافیایی است، به یادگار مانده است.

با وجود آن‌که بافت قدیمی نوغان به دلیل اتصال به محدوده حرم رضوی و در پی تغییرات عمده فیزیکی شهر مشهد و نوسازی حریم حرم تا حد زیادی دگرگون شده، اما هنوز نشانه‌هایی از آثار ارزشمند تاریخی در جای‌جای این محله قدیمی به چشم می‌خورد که به‌عنوان گنجینه‌های ماندگار از میراث فرهنگی شهر تاریخی - مذهبی مشهد به‌شمار می‌رود و لذا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

محققان و نویسندگان

مركز خراسان شناسی

## سرگذشت نوغان

(مادرشهر مشهد)

نوغان نامی به یادگار مانده از شهری کهن در ولایت توس و محله‌ای قدیمی در مشهد است و در حال حاضر به یکی از قدیمی‌ترین محلات این شهر اطلاق می‌گردد که به قولی باقی‌مانده همان شهر نوغان توس است. با وجود آن‌که موقعیت این محله قدیمی از نظر جغرافیایی با حدود تقریبی شهر نوغان تطبیق می‌کند، اما به دلایل مختلف، از جمله نامشخص بودن وضعیت شهری نوغان در فاصله قرن هفتم تا نهم هجری قمری (زمان تقریبی محو حیات شهری نوغان و پیدایش محله‌ای با همین نام) و

اختلاف در املای نام محله و شهر نوغان، این نظریه مورد تأمل است. قراین تاریخی، نقش مؤثر شهر نوغان را در توسعه مشهد مسلم می‌سازد و گسترش پیکره شهری مشهد توس در جهت شمال‌غربی مشهدالرضا و در بستر تاریخی شهر نوغان نیز حکایت از انضمام شهر نوغان به مشهد توس دارد، که کیفیت این اتصال و در نتیجه سقوط و فرود شهری قدیمی و پیدایش و فراز محله‌ای با نام نوغان به طور دقیق مشخص نیست.

### وجه تسمیه نوغان

واژه قدیمی نوغان از نظر تلفظ، املا و وجه تسمیه مورد اختلاف است و صورتهای مختلف این کلمه از قبیل نُوقان<sup>۱</sup> و نُوغان<sup>۲</sup> یا نُوقون و نُوغون<sup>۳</sup>، نُوکان<sup>۴</sup>، نُوکان<sup>۵</sup>، نُوکا<sup>۶</sup>، نُوگان<sup>۷</sup>، نُوکُن<sup>۸</sup> و... در منابع قدیم و جدید نقل شده که از دو صورت متداول‌تر (نوقان و نوغان) واژه نوقان<sup>۹</sup> (به ضم نون و سکون واو) مورد اتفاق نویسندگان متقدم (تا

- ۱- احمد بن ابی یعقوب یعقوبی: تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آینی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۷۱.
- ۲- جلال شریعت‌ترشیزی: «نوغان» نامه آستان قدس، دوره هشتم، ش ۱، ص ۴۷.
- ۳- همان مأخذ، همان صفحه.
- ۴- یاقوت حموی: برگزیده مشترک یاقوت حموی، ترجمه محمد پروین گنابادی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۸۰.
- ۵- تقی بیفش: «جغرافیای تاریخی مشهد»، نخستین کنگره ایران‌شناسی (تحقیقات ایرانی) به نقل از نامه آستان قدس، دوره نهم، ش ۳، ص ۶۶.
- ۶- شریعت‌ترشیزی، همان، ص ۴۷.
- ۷- لسترنج، گ: جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۴، پانویشت ص ۴۱۴. ۸- مشترک یاقوت حموی، پانویشت ص ۱۸۰.
- ۹- ابن خردادبه: مسالک و ممالک، ترجمه دکتر قره‌چانلو، ناشر مترجم، بی‌جا، ۱۳۷۰، ص ۲۱؛ یعقوبی: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۷۱؛ یعقوبی: البلدان، ص ۵۳؛ حدودالعالم، به کوشش دکتر منوچهر ستوده، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۶۲، ص ۹۰؛ مقدسی: احسن التقاسیم، ج ۲، ص ۵۱۵؛ ابن‌حوقل: صورة الارض، ترجمه دکتر جعفر شمار، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶، ص ۱۶۹؛ اصطخری: مسالک و ممالک، ص ۴۱۴؛ محمد بن عبدالرحمان قزوینی: آثار البلاد و اخبار العباد، تصحیح سیدمحمد شامهرادی،

حدود قرن نهم هجری) و املائی نوغان<sup>۱</sup> به عنوان نام محله‌ای قدیمی در منابع جدید و اخیر معمول بوده است.

در باره صورتهای متفاوت تلفظ و املائی این واژه نوشته‌اند که نوغان به صورت نُوگان (به ضم نون و واو مشبع، بر وزن روبان یا قوچان) و نُوگان (به ضم نون و سکون واو، بر وزن برهان) ضبط شده است.<sup>۲</sup>

صورت رایج این کلمه در منابع قدیمی همان نوغان است که در مرادالاطلاع ذکر شده.<sup>۳</sup> اما یاقوت حموی وجه دیگری از این کلمه را به صورت نُوگان (به فتح نون و سکون واو) آورده است.<sup>۴</sup>

مینورسکی می‌نویسد مشهدها نوغان را نوغون تلفظ می‌کنند و چون در لهجه مشهدی (ان) به (اُون) تبدیل می‌شود<sup>۵</sup>، بعید نیست که این واژه صورت تغییر یافته کلمه

<sup>۱</sup> انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۸۶؛ ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود کردیزی: زین الاخبار، تصحیح عبدالحی حبیبی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷، ص ۱۶۲؛ حمدانی مستوفی: نزهة القلوب، ص ۱۵۱؛ یاقوت حموی، ج ۸، ص ۳۲۷؛ ابرالفضل بیهقی: تاریخ بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض، انتشارات کتابخانه ایران مهر، ۱۳۵۸، ص ۶۰۹؛ ابن بطوطه: سفرنامه، ترجمه محمد عنی موحد، ج ۱، ص ۴۴.

۱- محمد رضا قصابیان: تاریخ مشهد، انتشارات انصار، مشهد ۱۳۷۷، صص ۳۱ تا ۳۷؛ مهدی سیدی: اتوس در دوران اسلامی، کتاب بازا، مشهد، ش ۱۳ از ۱۴، ص ۲۹؛ همو: «مسجد شاه مقبره است نه مسجد»، فصلنامه خراسان پژوهی، مرکز خراسان شناسی، مشهد، سال اول، ش اول (بهار و تابستان ۱۳۷۷، ص ۱۲۰)؛ ابراهیمی فاروجی: «مشهد و قصه‌های شیرین نام‌گذاری محلات آن»، محله زائر، شهریور ۱۳۷۴، ص ۳۱.

۲- دائرة المعارف اسلام به نقل از شریعت ترشیزی: نامه آستان قدس، دوره هشتم، ش ۱، ص ۴۷.

۳- صفی‌الدین عبدالمؤمن بن عبدالحق بغدادی: مرادالاطلاع، تحقیق و تعلیق عنی محمد البجاوی، دارالمعرفة لطباعة و النشر، بیروت، لبنان، ۱۹۵۴ م./ ۱۳۷۳ ق. / الضبعة الاولى، الجزء الثالث، ص ۱۳۹۶، عین عبارت چنین است: مثله و آخر نون، احدی قصبتی طوس لان ضوس ولایة لها مدینته طبران و نوغان و نیه...  
۴- برگزیده مشترک یاقوت حموی، پانویس ص ۱۸۰.

۵- بیابان و دالان را بیابون و دالون تلفظ می‌کنند. رک: مینورسکی: یادنامه ایرانی، ص ۵۳.

نوغان باشد<sup>۱</sup>، که البته گویش قدیمی موجود در محاوره مشهدهای اصیل نیز مؤید آن است، لذا احتمال می‌رود که زبان اصیل و قدیمی مشهد، یادگار همان لهجه قدیمی نوغان باشد که به تدریج کهنه و متروک شده است.<sup>۲</sup>

صورت دیگر این واژه قدیمی نوگان است که به قولی تغییر شکل داده<sup>۳</sup> و نام نوغان علی‌رغم آن که در اکثر منابع قدیمی با «قاف» آمده است، اما در بعضی از متون قدیمی با املا «غین» نیز دیده شده است.<sup>۴</sup>

یکی از نویسندگان نوغان را مشتق و فارسی دانسته و می‌نویسد: «نوقان باید از کلمه (New) به معنی نیک و نیکو یا نوک (Nevak) به معنی زیبا و مناسب، مشتق شده باشد».<sup>۵</sup> که در تأیید این نظر نوشته‌اند، اگر این کلمه را با واژه مشابهش در زبان اوستا مثل (نوه) و در پهلوی نوک (به کسرنون و سکون واو) که به معنی دلیر و نیرومند و زیبا و شجاع است<sup>۶</sup> و هنوز در زبان کردی به صورت نو (بر وزن کو) به کار می‌رود، مقایسه کنیم؛ احتمال می‌رود به مناسبت دلیری و مردانگی مردم آن و یا نوسازی و زیبایی به این اسم خوانده شده باشد.<sup>۷</sup>

بنا به برداشت مؤلف کتاب مشهد توس که نوغان را با برزعه و المثنب مطابق دانسته<sup>۸</sup>، وجه تسمیه دیگری نیز مطرح می‌گردد، درحالی که المثنب، نام اولیه شهر نوغان نیست و به نوشته ابن خردادبه، نوغان و المثنب دوشهر از ناحیه توس بوده‌اند که بین آنها پنج فرسخ فاصله است.<sup>۹</sup> و لسترنج به استناد معنی المثنب (سوراخ شده)، احتمال داده است که به دلیل وجود روزه‌های موجود در ضریح چوبی مرقد امام رضا(ع) در مشهدالرضا، المثنب نام دیگر سناباد باشد.<sup>۱۰</sup>

۱- شریعت ترشیزی: «نوغان» نامه آستان قدس، دوره هشتم، ش ۱، ص ۴۷.

۲- رک: همان، به نقل از ادیب طوسی، «لغات نوقانی»، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال ۱۳۴۱.

۳- لسترنج: همان، ص ۱۸۰.

۴- بهرام فره‌وشی: فرهنگ پهلوی، ص ۳۲۲.

۵- تقی بینش: تحقیقات ایوانی، ص ۶۶.

۶- همان.

۷- شریعت ترشیزی: همان.

۸- محمد کاظم امام: مشهد توس، کتابخانه ملی، ۱۳۴۸، ص ۱۰۰.

۹- ابن خردادبه: سالک و ممالک، ص ۲۱.

۱۰- لسترنج: همان، ص ۴۱۴.

در نوشته‌های اخیر وجه تسمیه دیگری نیز به چشم می‌خورد که عامه ساکنان قدیمی نوغان کنونی نیز بر آن صحه می‌گذارند و علت این نام‌گذاری را (به استناد معنی کلمه نوغان)<sup>۱</sup> وجود مشاغل نوغان‌داری (ابریشم‌کشی) و سکونت نوغان‌داران در این محله قدیمی می‌دانند، که وجود کارگاههای پبله‌کشی و دباغی و کاروانسراهای قدیمی از قبیل کاروانسرای قدیمی گلشن که مرکز تجارت و تردد و بیتوته سوداگران صنعت ابریشم در یک قرن اخیر بوده است، نیز این نظر را قوت بخشیده، در حالی که این نظر استناد تاریخی ندارد و صرف معنی کلمه و وجود کارگاههای ابریشم‌کشی در یک قرن اخیر نمی‌تواند وجه تسمیه این شهر قدیمی در قرنهای گذشته باشد. به‌ویژه که هیچ‌یک از مورخان و نویسندگان متقدم، همچون ابن خردادبه، ابوالفداء، اصطخری، ابن‌حوقل، یاقوت، حمدالله مستوفی و دیگران که از بازار پر رونق نوقان و عرضه کالاهایی همچون فیروزه و خماین و سنگ مرمر سبز و دیگر صنایع سخن گفته‌اند، اشاره‌ای به صنعت ابریشم‌کشی که مهمترین صنعت نوغان و علت ایجاد این شهر باشد ننموده‌اند. اگرچه نوغان به قولی در حاشیه راههای فرعی، جاده معروف ابریشم نیز بوده است.<sup>۲</sup> مگر این که احتمال داده شود که وجود صنعت ابریشم در نوغان توس، علت نام‌گذاری نوغان بوده و املائی نوقان که بیش از ده قرن در دوره اسلامی متداول بوده‌است، صورت تغییر یافته املائی نوغان می‌باشد. این نظر که نام نوغان به عنوان یک محله قدیمی در قرن اخیر و به دلیل وجود تمرکز کارگاههای ابریشم‌کشی، اتفاقاً در بخشی از بدنه شهر قدیمی نوغان شکل گرفته باشد نیز با وجه تسمیه قدیمی نوغان منافات ندارد، که در این صورت ارتباطی بین این دو نام از جهت وجه تسمیه نیست و تشابه موجود لفظی است. در خصوص واژه نوگان نیز در صورتی که وجود شهر قدیمی نوغان در قرن اول و دوم ه.ق و قبل از آن محتمل باشد، نیز چنین استنباط می‌شود که نوقان معرب کلمه نوگان و یا شکل تغییر یافته نوغان است که در دوران اسلامی رایج بوده‌است. در عین حال بنا به مسلمات تاریخی، نام نوغان با املائی «قاف» در منابع قدیمی و با املائی «غین» در منابع اخیر معمول بوده‌است که صرف‌نظر از ارتباط تاریخی آن دو، صورتهای متفاوت این دو

۱- (ابریشم‌کشی) رک: فرهنگ معین، ذیل نوغان. ۲- تقی‌بینش: همان، ص ۶۶.

املا می‌تواند وجه تمایزی باشد برای تشخیص شهری کهن در خراسان بزرگ و محله‌های قدیمی در مشهد.

### پیشینه تاریخی نوغان (از آغاز تا پیدایش مشهد الرضا(ع))

عمده‌ترین خبر از نوغان در آغاز قرن سوم ه.ق مربوط به مورخان و جغرافی دانان و سفرنامه‌نویسان قدیم همچون یعقوبی، ابن خردادبه، بیهقی، اصطخری و مقدسی و دیگران است که در توصیف مرقد مطهر امام رضا(ع) در سناباد، از نوغان به‌عنوان شهری بزرگ در ولایت توس یاد کرده‌اند، اما از وضعیت نوغان، مانند دیگر مناطق توس در این زمان و قبل از آن، آگاهی زیادی در دست نیست و اخبار پراکنده موجود در منابع نیز وضعیت روشن و مشخصی از نوغان در این دوران به دست نمی‌دهند، اما برخی تاریخ‌نویسان به دلیل مسلم بودن اهمیت و رونق نوغان و برتری آن بر طابران در اوایل قرن سوم هجری، بر این نظرند که پیدایش نوغان به سالها قبل و حتی قرن‌ها قبل از واقعه به خاک سپاری پیکر مطهر امام رضا(ع) در کاخ حمید بن قحطبه در سناباد برمی‌گردد و شواهد تاریخی نیز وجود نوغان را به عنوان مهمترین شهر ولایت توس در جهت شرقی طابران و بر سر راه توس به نیشابور اثبات می‌کند، که طابران در چهار فرسخی آن و دهکده سناباد در فاصله یک میلی (۱۶۰۹/۳ متر) جنوب آن و در حاشیه مسیر نوغان قرار داشته است.<sup>۱</sup> توس در آن زمان دومین ولایت بزرگ ربع نیشابور به شمار می‌آمده و نیشابور مهمترین ربع از بخشهای چهارگانه خراسان بزرگ بوده است.

بنابراین اهمیت و رونق نوغان در اوایل قرن سوم ه.ق احتمال وجود این شهر را در قبل از آن محتمل می‌سازد، چرا که پیدایش و تکامل شهری بزرگ و پر رونق همچون نوغان که در قرن سوم کرسی‌نشین ولایت توس بوده است؛ به طور قطع و به اقتضای زمان نمی‌تواند در فاصله زمانی نسبتاً محدود (از فتح خراسان تا گزارش اولین نویسندگان قرن سوم ه.ق) صورت گرفته باشد.

بی‌گمان وجود کاخ مرزدار توس در نوغان نیز که بعدها حاکم‌نشین خراسان اسلامی

۱- محمد رضا قصبیان: همان، ص ۳۲؛ ابوالفداء، این فاصله را ربع فرسخ می‌داند، رک: تقویم البلدان، ص

گردید، دلیل دیگری است بر اهمیت نوغان به عنوان مهمترین شهر و مرکز و قرارگاه نظامی ولایت توس در زمان پیدایش مشهدالرضا(ع) در سناباد.<sup>۱</sup>

علی‌رغم اهمیت نوغان در آن دوران و احتمال وجود این شهر در قرن یا قرنهای قبل و با وجود آن که از زمان فتح توس توسط مسلمانان (۳۱ هجری قمری)<sup>۲</sup> تا پیدایش مشهدالرضا بیش از ۱۷۰ سال فاصله است، اما در اخبار مربوط به توس، فقط از رویدادهای فتح و اخبار سیاسی ولایت توس یاد شده و از بخشهای این ولایت از جمله نوغان صحبت چندانی نشده است. اخبار مربوط به توس (از مصالحه کنارنگ توس تا واقعه دفن هارون الرشید در کاخ حمید بن قحطبه در ۱۹۳ ه.ق)<sup>۳</sup> و آگاهیهای موجود چیزی جز اخبار مربوط به اوضاع سیاسی توس در عهد بنی‌امیه و هفتاد سال اولیه عهد بنی‌عباس نیست. لذا شاید مهمترین خبر که به صورت غیرمستقیم در باره نوغان مستفاد می‌شود، آگاهیهایی است که از مسائل پیرامون زمان و چگونگی احداث کاخ حمید بن قحطبه در سناباد به دست می‌آید.

برخی از نویسندگان احداث کاخ مزبور را به دوران استقرار مأمون در مرو (۲۰۱ ه.ق. به بعد)<sup>۴</sup> نسبت داده‌اند، در حالی که در برخی از منابع آمده است که کاخ مزبور در نیمه اول قرن دوم هجری وجود داشته و نوشته‌اند که یکصدسال پس از فتح خراسان (حدود ۱۳۱ ه.ق) پس از آن که با آغاز جنبش ضد اموی در خراسان، قحطبه بن شیبب طایبی، سردار ابو مسلم توس را فتح نمود،<sup>۵</sup> فرزند او یعنی حمید بن قحطبه در

۱- همان مأخذ، همان صفحه.

۲- ابن اعثم کوفی: الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۲۸۲؛ احمد بن یحیی بن جابر بلاذری: فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، انتشارات نقره، ۱۳۶۷، ش، صص ۵۶۲ و ۵۶۳.

۳- تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۴۴۳؛ ابوحنیفه احمد بن داوود دینوری: اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۶۸، ص ۴۲۳؛ برتولد اشپولر: ایران در نخستین قرون اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۹۸.

۴- اعتمادالسلطنه: مطلع الشمس، ج ۱، ص ۳۲۷؛ ملاهاشم خراسانی: منتخب التواریخ، ص ۶۴۵.

۵- دینوری: همان، صص ۴۰۵ تا ۴۰۸؛ اشپولر: همان، ج ۱، ص ۲۷.

فاصله سالهای ۱۵۲ تا ۱۵۹ ق. در توس مستقر بود<sup>۱</sup> که به نظر برخی، او بناکننده کاخ معروف سناباد است و برخی استقرار او را در کاخ یاد شده علت نامیده شدن کاخ به نام او می‌دانند. در حالی که بعضی از نویسندگان قدمت آن را به قبل از این واقعه رسانده و کاخ مزبور را ساخته یکی از سلاطین چمیر دانسته‌اند،<sup>۲</sup> و برخی دیگر سابقه آن را به دوران خلفای بنی امیه و حتی به عهد ساسانی رسانده‌اند<sup>۳</sup> و در برخی دیگر از منابع آمده است که بنای اولیه کاخ توسط اسکندر ذوالقرنین صورت گرفته است<sup>۴</sup> و عده‌ای از نویسندگان نیز زمان آن را نامشخص می‌دانند.<sup>۵</sup>

با وجود اختلاف نظر پیرامون زمان احداث کاخ مزبور، نکات یاد شده زیر در ارتباط با وجود نوغان در این دوران قابل تأمل است:

الف - وجود کاخ معروف حمید بن قحطبه، که زمانی قرارگاه نظامی و مدتها مقر حکمرانان توس و سپس محل دفن هارون الرشید و سرانجام مشهدالرضا می‌گردد به‌عنوان مرکز مهمترین رویدادهای سیاسی در قرن دوم از اهمیت سیاسی و سوق‌الجیشی برخوردار بوده است؛ لذا نمی‌تواند سناباد و کاخ مزبور دور از امکانات شهری و خطوط مواصلاتی باشد. بنابراین، وجود نوغان را - به‌عنوان شهری بزرگ و پررونق در نزدیکی سناباد - مسلم می‌سازد.

ب - اگرچه اطلاع زیادی از بخشهای مختلف ولایت توس در قرن دوم هجری قمری و قبل از آن در دست نیست، اما بنا به مستندات تاریخی مبنی بر وجود مسلم چهار شهر مستقل نوغان و طابران و تروغبذ و رادکان در ولایت توس (قرن سوم ه. ق.)، پیدایش و برتری نوغان و اهمیت و رونق آن در مدتی کوتاه یعنی اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم غیرممکن است. لذا وجود شهر پررونق نوغان در قرن دوم هجری قمری قطعی و قبل از آن محتمل است.

۱- میرزا محمدخان بن عبدالوهاب قزوینی: بیست مقاله قزوینی، به کوشش عباس اقبال و ابراهیم پور داوود، چاپخانه شرق، ۱۳۳۲، ج ۲، ص ۸۹.

۲- محمد کاظم امام: همان، صص ۴۰۱ و ۴۰۳. ۳- اعتمادالسلطنه: مطلع الشمس، ج ۱، ص ۳۲۷.

۴- همان.

۵- مؤید ثابتی: تاریخ نیشابور، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۵ ش، ص ۲۴۶.



ج - کاخ حمید بن قحطبه که به قول لسترنج با نوغان فاصله داشته<sup>۱</sup> تنها بنای مهم در اطراف نوغان قرن دوم نیست بلکه بناهای دیگری همچون آرامگاه خواجه ربیع بن خثیم در بخش شمال غربی نوغان قدیم از سال ۶۱ تا ۶۳ هجری قمری وجود داشته است که بعضی احتمال داده‌اند، آرامگاه کنونی خواجه ربیع که در حاشیه نوغان قرار داشته می‌تواند حدود تقریبی مرز شهری نوغان را در جهت غرب و شمال غربی مشخص سازد.<sup>۲</sup>

بنابراین در باره وضعیت توس در دوران پس از فتح تا سال ۲۰۳ هجری قمری می‌توان چنین احتمال داد که بخشهای مختلف توس از جمله نوغان پس از آن که با موضع‌گیری به موقع کنارانگ توس از خرابی و انهدام به دور ماند، به علت عدم وجود رویدادی مهم که مستلزم طرح نام نوغان در مستندات تاریخی گردد باعث شد تا نامی از نوغان در منابع تاریخی نباشد، تا آن که از حدود سال ۱۹۳ هجری، نوغان به دلیل وقایع مهم در سناباد، مرکز توجه مورخان و نویسندگان در واقع می‌شود.

### موقعیت جغرافیایی

علی‌رغم نبود آگاهیهای لازم، حدود تقریبی نوغان با استناد به شواهد تاریخی در دوره‌های مختلف این‌گونه ترسیم می‌شود:

وجود مقبره خواجه ربیع (متوفای ۶۱ تا ۶۳ هـ.) که در محل کنونی دفن گردیده<sup>۳</sup> و احتمالاً در حوالی شمال غرب نوغان و در مسیر جاده نوغان به طابران قرار داشته و وجود کاخ حمید بن قحطبه در سناباد که با فاصله کم در جنوب نوغان قرار داشته و موقعیت تروغ که با فاصله بیشتر در حدود جنوب شرقی نوغان بوده، تنها نشانه‌هایی است که حدود تقریبی و موقعیت جغرافیایی نوغان را در سالهای قبل از ۲۰۳ هـ. ق. مشخص می‌سازد. اما با استفاده از اطلاعات بیشتری که در باره نوغان قرن سوم و بعد به

۱- لسترنج: همان، ص ۴۱۴.

۲- برگزیده مشترک یاقوت حموی، پانویست ص ۱۸۰؛ محمد رضا قصابیان: تاریخ مشهد، ص ۲۵۷.

۳- کاظم مدیرشانه‌چی: مزارات خراسان، چاپخانه دانشگاه مشهد، ۱۳۴۵، ص ۱۷؛ قصابیان: همان، ص

دست می‌آید حدود تقریبی نوغان در فاصله قرن سوم تا ششم چندان روشن نیست اما حدود نوغان در این زمان به دلیل وجود مرقد شیخ طبرسی که در قرن ششم (متوفای ۵۴۸ هـ) در قتلگاه سابق (حدود باغ رضوان کنونی) مدفون گردیده، مشخص تر می‌گردد. و از قرن ششم تا قرن نهم که از وجود مزار امامزاده محمد (گنبد خشتی)<sup>۲</sup> در محل کنونی خبر داده می‌شود باز اطلاع دقیقی از موقعیت نوغان نیست تا آن که با ظهور دولت صفویه و پیدایش نشانه‌های فراوانی همچون مزار پیر پالان دوز، گنبد سبز، مصلاً و... نمادهای شهری مشهد خبر از ادغام کامل باقی مانده این شهر قدیمی با مشهد می‌دهند و پس از آن نوغان محله‌ای است که دروازه و میدانگاهی و نشانه‌های دیگر معرف محدوده آن است.

#### نوغان از فراز تا فرود (قرن سوم تا نهم ق.)

از قرن سوم به بعد در باره نوغان اطلاع بیشتری در دست است. اما این آگاهیها در عین حال که وضعیت و موقعیت نوغان را به طور کامل مشخص نمی‌سازد، معرفت مهمترین شهر ولایت توس است.

به نوشته ابن خردادبه، قدیمی ترین جغرافی نویسی اسلامی، نوغان در اوایل قرن سوم هجری در پنج فرسخی المثقب و شش فرسخی مزدوران واقع است.<sup>۳</sup> و به گزارش یعقوبی یکی از بزرگترین شهرهای ولایت توس می‌باشد.<sup>۴</sup> اما یک قرن بعد طابران به دلایل مختلف از جمله داشتن آب بیشتر، بر نوغان پیشی می‌گیرد<sup>۵</sup> و نوغان همانند دیگر بخشهای تابعه توس در این زمان به علت انتقال مقر حکومت طاهریان به نیشابور تا حدود زیادی اهمیت سیاسی خویش را از دست می‌دهد<sup>۶</sup> و در دوران امارت صفاریان بر توس که اطلاع چندانانی از آن در دست نیست، احتمالاً بیش از دیگر مناطق توس از

۱- قصابیان: همان، ص ۲۷۱؛ اعتماد السنطنه: مطلع الشمس، ج ۱، ص ۶۸۱؛ مدیرشانه چی، همان، ص ۵۹.

۲- قصابیان: همان، ص ۲۶۷. ۳- ابن خردادبه: همان، ص ۲۱.

۴- یعقوبی: همان، ص ۵۳. ۵- استرنج: همان، ص ۴۱۵؛ قصابیان: همان، ص ۳۲.

۶- قصابیان: همان، صص ۶۱ و ۶۲.

خرابیهای ناشی از غائله خجستانی<sup>۱</sup> و هرج و مرج مربوط به تاخت و تاز رافع بن هرثمه، متأثر می‌شود،<sup>۲</sup> به گونه‌ای که در نوشته‌های اصطخری و ابن حوقل گزارشی از وسعت و رونق نوغان در قرن چهارم نیست.<sup>۳</sup> اما مؤلف ناشناخته حدود العالم - قدیمی‌ترین جغرافی دان فارسی - که با فاصله کمی پس از گزارش ابن حوقل به مشهدالرضا سفر نموده، از نوغان قرن چهارم به عنوان شهرکی در ولایت توس یاد می‌کند.<sup>۴</sup>

برخی منابع از رشد و توسعه مشهدالرضا و رونق دوباره دیگر مناطق توس از جمله نوغان در دوران امارت امیر ابومنصور محمد بن عبدالرزاق طوسی امیر سامانی یاد می‌کنند که باعث گردیده نوغان تا اواخر قرن چهارم هنوز آباد و پررونق بماند.<sup>۵</sup>

مقدسی در توصیف نوغان به تاریخچه ساخت بنا و بازار پررونق نوغان اشاره دارد و می‌نویسد که در آن انواع پارچه‌های دستباف و شال و فرشهای نفیس و ظروف سنگی تهیه می‌شود و از کوههای اطراف آن طلا و نقره و مس و آهن استخراج می‌شود و محل فروش خماهن (نوعی سنگ) و فیروزه و سنگ مرمر سبز است.<sup>۶</sup> او در معرفی نوغان اواخر قرن چهارم اگر چه به مقایسه با طابران نمی‌پردازد، اما از نوغان به عنوان دیهی در توس یاد می‌کند.<sup>۷</sup>

در این دوران به تصریح اکثر مورخان و نویسندگان، مشهدالرضاء (ع) از مراکز زیارتی نوغان به شمار می‌آمده است و نوغان از جهت فرهنگی نیز اهمیت داشته و

۱- مینورسکی: «طوس»، نشریه دانشکده الهیات مشهد، ش ۱۶ و ۱۷، سال ۱۳۴۵، صص ۲۷۰ تا ۲۷۵.

۲- عبدالحسین زرین‌کوب: تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۵۴۴؛ فرای: تاریخ ایران کمبریج، ج ۴، صص ۱۰۵ و ۱۰۶؛ تاریخ مشهد ص ۶۳.

۳- اصطخری: ممالک و ممالک، ص ۴۱۴؛ ابن حوقل: صوده الارض، ص ۱۶۹. توضیح این که منبع مورد استفاده ابن حوقل کتاب اصطخری بوده است، و منبع اصطخری کتاب صودالاقالم ابوزید سهل بلخی بوده است.

۴- حدود العالم، ص ۹۰؛ لسترنج: همان، ص ۴۱۵.

۵- ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی: تاریخ بخارا، ترجمه و تلخیص و تصحیح سید محمدتقی مدرس رضوی، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۰، ص ۳۶۶؛ گردیزی: زین‌الاحیاء، ص ۳۵۳.

۶- احسن التمام، ج ۲، ص ۴۸۸؛ سرزمینهای خلافت شرقی، ص ۴۱۵؛ شمس‌الدین محمد بن ابی‌طالب انصاری دمشقی: نخبة الدرر فی عجائب البر و البحر، ترجمه سید حمید طیبیان، بنیاد فرهنگ ایران،

۷- قصابیان، همان، صص ۱۱۱ و ۱۱۲.

۱۳۵۷، ص ۳۸۰.

رجال بزرگی همچون ابوعلی حسن بن نصر بن منصور (عالم حدیث) و خواجه نظام الملک توسی وزیر سلجوقی را در خود می‌پرورانده است.<sup>۱</sup>

به شهادت منابع تاریخی از قرن چهارم تا زمان یاقوت حموی (قرن هفتم ه. ق.) ظاهراً نوغان به همین وضعیت باقی مانده و گسترش نداشته است، به خصوص که در این دوران مشهدالرضا(ع) به تدریج وسعت و رونق می‌یابد و طابران نیز کرسی نشین ولایت توس است.<sup>۲</sup>

از نوغان عهد غزنوی نیز اطلاع چندانی در دست نیست. اما در اواخر عهد غزنوی و در پی تاخت و تاز سلجوقیان برای مدتی توس نا امن می‌شود و طابران آسیب می‌بیند، اما به مشهدالرضا(ع) و بالطبع به نوغان - به دلیل نزدیکی به مشهدالرضا(ع) - صدمه چندانی وارد نمی‌شود.<sup>۳</sup>

نوغان در عهد سلجوقیان و دوران وزارت خواجه نظام الملک مورد توجه قرار می‌گیرد و مسجد جامع زیبایی در آن ساخته می‌شود، اما دیری نمی‌گذرد که به واسطه اختلافات مذهبی که به درگیری و کشتار منجر می‌شود (۵۱۰ ه. ق.)<sup>۴</sup> مشهدالرضا به شدت آسیب می‌بیند و اگرچه نامی از نوغان برده نشده، اما به طور مسلم نزدیکی نوغان و گستردگی دامنه بلوا و آشوب باعث می‌گردد تا خرابی به نوغان هم سرایت نماید، به‌ویژه که از طابران نام برده شده نه از توس<sup>۵</sup>. ابن اثیر می‌نویسد:

«... فتنه عظیمی برخاست که در آن تمام اهل توس<sup>۶</sup> شرکت جستند و مشهد را احاطه کردند و ویران ساختند و هرکه را یافتند، کشتند. فتنه باعث شد که عضدالدین

۱- یاقوت حموی: معجم البلدان، ج ۸، ص ۳۲۷؛ مسالک و ممالک، ص ۴۱۴؛ صورة الارض، ص ۱۶۹؛ تاریخ بیهقی، ص ۴۶۷؛ حدود العالم، ص ۹۰؛ ابن بابویه: عون الاخبار، ج ۱، ص ۱۶۵.

۲- لسترنج: همان، ص ۴۱۵.

۳- محمد بن علی بن محمد شبانکاره‌ای: مجمع الانساب، تصحیح میرهائیم محدث، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳، صص ۴۲ و ۵۹؛ قصابیان: همان، صص ۱۲۱-۱۲۲.

۴- قصابیان: همان، ص ۱۲۵.

۵- مکاتب فارسی غزالی، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، انتشارات سنایی، تهران، ۱۳۶۳، ص ۴.

۶- از عبارت «تمام اهل توس» استنباط می‌شود که نوغان هم بوده است.

فرامرز علی، دیوار محافظی برای مشهد بنا کند...<sup>۱</sup>.

به این ترتیب به نوشته ابن اثیر توس در اثر بلوا و آشوب و تهاجم غزها در اواخر نیمه اول قرن ششم ه. ق آن چنان آسیب می‌بیند که از ولایت توس به جز مشهد علی بن موسی الرضاع) و مواضع اندک دیگر جایی سالم نمی‌ماند که احتمالاً نوغان نیز آسیب دیده، هرچند بدان اشاره مستقیم نشده است.<sup>۲</sup>

گزارشهای مورخان و نویسندگان از وضعیت نوغان در قرن ششم و هفتم نیز حکایت از آن دارد که مشهدالرضا و طابران همچنان بر نوغان پیشی دارند. مقدسی، نوغان را دهبی در توس می‌داند<sup>۳</sup> و قزوینی آن را یکی از محلات توس به شمار می‌آورد.<sup>۴</sup> حمدالله مستوفی از آن به عنوان شهرچه‌ای یاد می‌کند<sup>۵</sup> و گردیزی به نقل از مرصداالاطلاع، نوغان را یکی از دو قصبه توس می‌داند<sup>۶</sup> و دیگر منابع تاریخی قبل از قرن هفتم نیز همان مطالب نویسندگان قبلی را به نوعی دیگر تکرار می‌کنند.

البته لفظ دبه که مقدسی به کار می‌برد و عنوان محله به اعتبار قزوینی احتمالاً باید مترادف همان شهرکی باشد که مستوفی از نظر درجه شهری از توس یاد می‌کند، ضمن آن که قزوینی همان لفظ محله را بر طابران نیز اطلاق می‌کند.<sup>۷</sup>

در توصیف یاقوت حموی به عنوان مهمترین شرح وضعیت از نوغان قبل از مغول نیز همان مطالب تکرار می‌شود، اما از نوغان به عنوان شهری قدیمی یاد شده است.<sup>۸</sup> هنوز گرد و غبار ناشی از جنگ قدرت بین سلجوقیان و خوارزمشاهیان و امرای غوری (جنگ ملک شهاب الدین غوری و سلطان محمد خوارزمشاه) در توس فروکش نکرده و غارت و ویرانی بخشهای توس از جمله نوغان جبران نشده بود که تهاجم زرد

۱- تاریخ کامل، ج ۱۸، ص ۲۰۶.

۲- همان، ص ۲۴۸.

۳- احسن التقاسیم، ج ۲، ص ۵۱۵.

۴- آثارالبلاد و اخبارالعباد، ج ۲، ص ۱۸۶.

۵- نزهة القلوب، ص ۱۵۱.

۶- زین الاحجار، ص ۱۶۲.

۷- قزوینی می‌نویسد: «... طوس شهری است مشهور به خراسان، نزدیک به نیشابور، مشتمل بر قری و

آبهای روان و اشجار بسیار و آن مدینه مشتمل بر دو محله است، یکی را طابران و دیگری را نوغان...»

رک: آثارالبلاد و اخبارالعباد، ج ۲، ص ۱۸۶. ۸- معجم البلدان، ج ۵، ص ۳۰۷.

مغولان وزیدن می‌گیرد.<sup>۱</sup> و به نوشته عظاملک جوینی یمه و ستبای با اعزام ایلچی سعی در تصرف صلح‌آمیز شهرهای خراسان داشتند که قرای شرقی نوغان و توابع، چون دعوت مغولان را پذیرفتند، از انهدام به دور ماندند. اما نقاط دیگر توس از جمله طابران مورد قتل و غارت قرار گرفتند.<sup>۲</sup>

نوغان که در این تهاجم کمتر آسیب دیده بود، با برقراری آرامش نسبی موقت و اقدامات عمرانی عهد کورکوز، فرمانروای مغولی، دوباره تا حدی رونق یافت، اما تحت الشعاع گسترش و رونق مشهدالرضا قرار داشت که به فولی نام آن در این زمان در ردیف شهرهای بزرگ خراسان همچون اسفراین نقل شده است.<sup>۳</sup>

گزارش ابن بطوطه به عنوان آخرین خبر از آبادانی توس در قیل از حمله ویرانگر سپاه میرانشاه تیموری اهمیت دارد. او از توس به عنوان یکی از بزرگترین مراکز خراسان یاد می‌کند<sup>۴</sup> و دولت‌شاه سمرقندی نیز به نقش عمرانی سریداران در مشهدالرضا و توس اشاره دارد.<sup>۵</sup>

توس که با مصالحه خواجه علی مؤید آخرین بازمانده سرداریه از خرابی و تهاجم تیمور در امان مانده بود، در پی استقلال‌طلبی حاجی بیک قربانی (حاکم توس) در سال ۷۹۱ ه.ق توسط سپاه میرانشاه مورد تعرض و قتل و غارت قرار گرفت که بنا به شواهد تاریخی مشهدالرضا و نوغان، از خرابی مصون ماند و مأمین پناهندگان و مهاجران طابران گردید.<sup>۶</sup> و طابران توس پس از این ویرانی دیگر نتوانست تجدید حیات کند و بازسازیهای امیر سعیدخواجه که به دستور شاهرخ میرزا صورت گرفت نیز نتوانست رونق از دست رفته طابران را احیا کند.<sup>۷</sup> به‌ویژه که به قول مؤلف مهمان‌نامه بخارا در

- ۱- ابن اثیر: تاریخ کامل، ج ۲۴، ص ۲۴۶؛ و قون اوغلی: تاریخ خوارزمشاهیان، ص ۱۹۵.
- ۲- عظاملک جوینی: جهانگشای جوینی، ج ۱، صص ۱۳۶ - ۱۳۸.
- ۳- خواندمیر: حیب‌السیر، ج ۳، ص ۲۰۴؛ حافظ ابرو: ذیل جامع‌التواریخ، ص ۱۰۵؛ مطلع‌السعدین، صص ۴۵ تا ۴۷.
- ۴- سفرنامه، ترجمه محمدعلی موحد، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱، ج ۱، صص ۴۴۰ و ۴۴۱.
- ۵- تذکره الشعراء، ص ۳۱۷.
- ۶- میرخواند: روضة‌الصفاء، ج ۶، ص ۱۷۵.
- ۷- علی شریعتی: راهنمای خراسان، ص ۱۴۲.

ماجرای یورش ازبکها به سرداری محمد خان شیبانی در فاصله سالهای ۹۱۳ تا ۹۱۵ ه. ق همان رونق و آبادی موجود نیز از دست رفت و چنان از رونق افتاد که هیچ کس در کوچ و بازاری نماند<sup>۱</sup> و در وقایع بعد از آن نیز فرصت تجدید حیات به طابران داده نشد، به خصوص که با گسترش یکباره مشهد طوس و اتصال کامل نوغان به آن و مهاجرت ساکنان طابران به مشهد طوس، به مرور، طابران عناصر و اجزای شهری خود را از دست داد و در طول چند قرن بعد با کوچ باقی مانده اهالی توس به حوالی نوغان که اینک جزئی از پیکره شهر بزرگ مشهد مقدس شده بود، طابران به شهرکی تاریخی متشکل از اتلال و ویرانه‌ها و چند روستای محقر در اطراف تبدیل شد و نوغان در این تغییر و تحول شهری با اتصال به مشهدالرضا حیات شهری و قدمت تاریخی خود را در شکلی جدید تداوم بخشید؛ و بدین ترتیب نام نوغان نیز به تدریج مانند نام سناباد و طابران تحت تأثیر رشد و توسعه شهری مشهد مقدس به فراموشی سپرده شد. البته نقش تیموریان به ویژه شاهرخ میرزا در توسعه و رونق مشهد به عنوان پایتخت دوم بسیار حایز اهمیت است.<sup>۲</sup> بدین ترتیب از نوغان که به قولی از محله نوغان کنونی در شمال غربی تا محدوده حوالی آرامگاه خواجه ربیع<sup>۳</sup> و از شرق تا حدود کوچه گنبدخستی و از جنوب تا حدود باغ رضوان و قتلگاه سابق گسترش داشت و زمانی کرسی نشین ولایت توس به شمار می آمد، اثری نماند.

اسم نوغان تا نیمه اول قرن هشتم هجری (۱۱۴ م.) یعنی دوره ایلخانان روی سکه‌ها دیده می شود اما پس از آن به تدریج در برابر اسم مشهد از بین رفته است.<sup>۴</sup> اما نام طابران در دوره‌های بعد تا مدتها البته نه به عنوان شهر بلکه شهرک و سپس یک منطقه تاریخی

۱- فضل الله روزبهان خنجی: مهمان نامه بخارا، به تصحیح منوچهر ستوده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۱۳۵۵، ص ۳۲۹.

۲- قصابیان: همان، صص ۱۶۳ و ۱۶۸ و ۱۷۹؛ مینورسکی: یادنامه ایرانی، ص ۵۳؛ دائرة المعارف مصاحب، ص ۲۲۷.

۳- رک: برگزیده مشترک یاقوت حموی، پانویس ص ۱۸۰؛ یاقوت، ج ۸، ص ۳۲۷؛ تاریخ ادبیات ایران، ص ۹۰۵، به نقل از شریعت ترشیزی: «نوغان»، نامه آستان قدس، دوره هشتم، ش ۱، ص ۴۸.

۴- شریعت ترشیزی: همان، ص ۴۷.

در متون دیده می‌شود.

مینورسکی و دیگر نویسندگان در ذکر ماجرای نابودی طابران صحبتی از نوغان نمی‌کنند، در حالی که در منابع قبل از آن نیز از ویرانی کامل نوغان (مانند واقعه ویرانی طابران) صحبتی نشده است.<sup>۱</sup>

نام نوغان در منابع، بعد از قرن ششم کمتر به چشم می‌خورد و جویی نیز تنها به نام نوغان اشاره کرده و در منابع پس از مغول تا عهد صفویه دیگر نامی از نوغان نیست. تا آن که یکبار در ذکر وقایع عمرانی مشهد در دوران صفویه و ذکر نام بانی مسجد محراب‌خان، از محله نوغان صحبت به میان می‌آید و از آب‌انبار و مسجدی که توسط محراب‌خان در این محله احداث می‌شود.<sup>۲</sup>

در عهد صفویه در پی اقدامات عمرانی در مشهد و گسترش شهری، احتمالاً مناطق بیشتری از نوغان به پیکره جدید شهر مشهد منضم گردید و وجود نام دروازه نوغان در کنار دروازه‌های معروف عهد صفویه، خبر از محله نوغان می‌دهد.<sup>۳</sup> ظاهراً اولین دگرگونی در بافت کالبدی مشهد در عهد صفویه با احداث بالاخیابان و پایین‌خیابان صورت گرفت که تغییری در ساختار محله نوغان ایجاد ننموده است. در عهد افشاریه و زندیه نیز نوغان از محلات مهم شهر مشهد به شمار می‌آمده است و در عهد قاجاریه نیز به‌عنوان یکی از محلات بزرگ مشهد مطرح است؛ و کلنل بیت که در اواخر عهد ناصری در مشهد بوده است از نوغان به‌عنوان یکی از شش محله بزرگ و دروازه آن یاد می‌کند.<sup>۴</sup>

اعتماد السلطنه نیز نام شش محله مزبور را در کتاب معروف خویش آورده و می‌نویسد که نوغان جزء شش محله بزرگ است و محلات دیگر مشهد عبارتند از: محله خیابان علیا، خیابان سفلی، سراب، چهارباغ و عیدگاه، و محلات کوچک عبارت بوده‌اند از: ارگ، سرسوق، سرحوضان، مروها، طب‌المحله (تپ‌المحله)، غیرشمارها، کشمیرها

۱- مینورسکی: همان، ص ۲۶۹. ۲- فصایان، همان، ص ۲۰۹.

۳- همان، ص ۱۳۲.

۴- بیت: سفرنامه خراسان و سیستان، ترجمه روشنی زعفرانلو و مهرداد رهبری، انتشارات یزدان، ۱۳۶۵، ص



و چاه‌نو (چهنو).<sup>۱</sup>

نوغان در این دوران به قول امین احمد رازی دارای برج و بارویی کهن و دروازه قدیمی میرعلمون بوده که در مجاور آن مزار میرعلی آمو قرار داشته‌است.<sup>۲</sup> و قبر میر و قبرستان کهنه و باغ ارگ و باغ دولاب و حیطة کهنه وسیع و خصوصاً راسته نوغان و چهارسو از بخشهای مهم نوغان به شمار می‌آمده‌است.

مشاغل مهم در نوغان اواخر عهد قاجار: عطاری، علافی، شیشه‌گری، پیله‌وری، علاقه‌بندی، تیغ‌بندی، صرافی، ندافی، شال‌بافی، مهرفروشی، سراجی، رهبارداری، کنده‌کاری، چکمه‌دوزی، اُرسی‌دوزی (نوعی کفش)، شاطری و سنگ‌تراشی بوده‌است.<sup>۳</sup> و به دلیل سکونت صاحبان این مشاغل کوچه‌هایی نیز به همین نامها در محله نوغان بوده‌است که هنوز هم برخی از این کوچه‌ها به همان نام قدیمی معروفند.

در گزارشهای نویسندگان از نوغان عهد ناصری به قراولخانه رجب بهادر به عنوان یک اثر قدیمی اشاره شده و در توصیف محله نوغان نوشته‌اند که در وسط چهارسوی<sup>۴</sup> نوغان و بست سفلی (پایین خیابان) مقابل دریند علیخان، تخت داروغه قرار داشته و قراولخانه (پادگان) پاسداران و شبگردان در آنجا دایر بوده و نفرات آن به وسیله فوج نظامی قرائی و ترشیزی و سیلاخوری (تهران) تأمین می‌شده و شبها با نواختن چند مرتبه طبل، قرق برقرار شده<sup>۵</sup> و دکانها بسته و رفت‌وآمد ممنوع می‌شده‌است. و بدین‌گونه امنیت برقرار و بازار و دکانها و منازل به وسیله اشخاصی به نام بازارخُسب (کسانی که در بازارها می‌خوابیده‌اند) انجام می‌گرفته‌است و این وضع تا اواخر عهد قاجار و اوایل دوران پهلوی ادامه داشته‌است تا آن که در عهد رضاخان، تشکیلات جدید شهربانی و

۱- مطلع الشمس، ج ۲، ص ۵۲۶؛ ادیب هروی: حدیقة الرضویه، ص ۳۴.

۲- به نقل از شریعت ترشیزی، همان، صص ۴۸ و ۴۹.

۳- همان، ص ۵۱.

۴- چهارسو یا چهارسوق در واقع نوعی چهارراه بوده که در شهرهای قدیمی اهمیت داشته و محل اعلام اخبار مهم و مکان مجازات محکومان و مرکز بازار و تردد بوده‌است.

۵- آهنگ طبلها با ریتم (برچین، برچین) و (برخیز و برو، برخیز و برو) و (بگیر و ببند، بگیر و ببند). رک:

شریعت ترشیزی: همان، ص ۴۹.

کلانتری جایگزین قراولخانه‌ها می‌گردد.<sup>۱</sup>

نوغان در اوایل عهد پهلوی هم به عنوان یکی از محلات مشهور به شمار می‌آمده و به نوشته مؤلف تاریخ توس، در سال ۱۳۰۵ شمسی در جهت شمالی حرم مطهر واقع بوده است. این نویسنده در باره نوغان می‌نویسد:

«هی ست محلات (الاولی) محله نوقان و تقع علی جهة شمالی الحرم...»<sup>۲</sup>

دومین تغییر عمده و اساسی در ساختار فیزیکی شهر مشهد، مربوط به دهه اول قرن چهاردهم شمسی (۱۳۰۰ به بعد) است. شواهد تاریخی حاکی از آن است که مشهد در اوایل عهد پهلوی هنوز ساختار قدیمی خود را داشته است و نوغان به عنوان محله‌ای قدیمی با کوچه‌ها و معابر تنگ و کم‌عرض و خانه‌ها و دکانها و کاروانسراها، از شلوغترین محلات شهر مشهد و مرکز بیتوته زائران و مسافران بوده است، تا آن که در سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰ ش. با احداث خیابان مدور (فلکه حرم) به عرض ۳۰ متر در اطراف حرم، خیابانی به نام طبرسی در محله قدیمی نوغان به وجود آمده و احتمالاً از همین زمان و با احداث خیابان طبرسی در حد فاصل حرم و میدان طبرسی، نوغان به دو قسمت شرقی و غربی مجزا گردیده است،<sup>۳</sup> به گونه‌ای که کوچه گنبدخستی و چهارسوق و کوچه‌های اطراف آن از جمله کوچه بی‌آب مسگرها، کوی مسجد کشمیریها، قبرستان میر و راسته حمام حاج نوروز در بخش شرقی نوغان و تب‌المحله، کوچه حمام حاج رستم، راسته نوغان، کوچه گلشن و دروازه نوغان در سمت غربی آن واقع شده و قبرستان متبرک و بزرگ قتلگاه واقع در بین بازار سنگتراشها و گنبدخستی و تب‌المحله و برخی دیگر از کوچه‌های نوغان، در این تخریب از بین رفت<sup>۴</sup> و با احداث فلکه در بخشهای دیگر اطراف حرم مطهر از جمله بین بازار زنجیر و بازار بزرگ که بنا به شواهد تاریخی

۱- همان، ص ۴۹.

۲- سید محمد مهدی العلوی: تاریخ توس از المشهد الاضوی، نشریه اداره مجله للرشد، هدیه المشترکین، ۱۹۲۷ م. ۱۳۴۶ق.، مطبعة النجاح بغداد، ص ۴.

۳- آستان قدس، دیروز، امروز، ص ۶۳؛ عباس سمیدی: «جغرافیای شهری»، مجله دانشکده ادبیات مشهد، ش ۳۰۲، تابستان و پاییز ۱۳۴۴، ص ۱۸۱.

۴- غلامحسین بقیمی: مزار میرمیراد، انتشارات گوتنبرگ، تهران، ۱۳۷۳، ص ۵۹.

در گذشته به یکدیگر اتصال داشته‌اند و بازارها و کوچه‌های دیگر اطراف فلکه حرم، فاصله ایجاد شد. باگسترش فیزیکی در بافت کالبدی شهر تغییرات اساسی به وجود آمد و بسیاری از نشانه‌های برجای مانده از مشهد عهد صفوی در پی تخریب باقی مانده حصار قدیمی نابود شد و خیابانهای منظم و شطرنجی جایگزین بافت قدیمی و معابر پرپیچ و خم محلات گردید و بدین ترتیب شهر تاریخی مشهد با از دست دادن بخشی مهم از میراث فرهنگی و تاریخی، بهایی‌گزار برای تغییر سیمای کالبدی شهر پرداخت. در این دوران مشهد دارای هفت دروازه بوده است<sup>۱</sup> و نوغان همچنان به عنوان محله‌ای قدیمی وجود داشته؛ و گزارشهای نویسندگان از وضعیت نوغان حاکی از آن است که نوغان و عیدگاه پرجمعیت‌ترین محلات مشهد به‌شمار می‌آمدند که نزدیکی آن به حرم مطهر و تمرکز خدمات شهری در این دو منطقه از عوامل عمده و مؤثر در این تراکم جمعیت بوده است. مردم متمکن شهر مشهد نیز در کوچه‌ها و گذرهای نزدیک به حرم سکنی داشته‌اند.<sup>۲</sup> محله نوغان مرکز بیتوته زایران و مسافران و نیز مهاجران بوده است و در قسمتی از نوغان پوستین‌دوزان اهل کابل سکونت داشته‌اند.<sup>۳</sup>

در کتاب راهنمای مشهد که در سال ۱۳۳۲ ش. تألیف شده، علی‌رغم تغییرات فراوان در ساختار شهری، نام محله قدیمی نوغان به عنوان یکی از مناطق شلوغ و پرجمعیت مشهد در کنار نام محلات و خیابانهای جدید از قبیل خیابان ارگ، الندشت، سعدآباد، عشرت‌آباد و سی‌متری (بی‌سیم)، ذکر شده و از گنبدخشتی<sup>۴</sup> به عنوان یک مزار قدیمی در نوغان یاد شده است.<sup>۵</sup>

گزارش نویسنده راهنمای مشهد از فلکه طبرسی به عنوان مبدأ خطوط اتوبوسرانی:

۱- همان، ص ۲۰. ۲- عباس سعیدی: همان، ص ۱۸۳.

۳- بقیمی: همان، ص ۱۹۶.

۴- این آرامگاه که هم‌اکنون در بخش شرقی محله نوغان و در کوچه‌ای به همین نام واقع است، از آثار تاریخی شهر مشهد به‌شمار می‌رود و منسوب به امامزاده محمد از اولاد امام سجّاد (ع) است که وفات او را سال ۸۳۲ ق. نوشته‌اند؛ و بنای گنبد آجری است و به آثار معماری عهد صفویه شباهت دارد. رک قصابیان: تاریخ مشهد، ص ۲۶۶.

۵- حجازی: راهنمای مشهد، چاپخانه خراسان، مشهد، صص ۱۱ تا ۲۴.

نشان از اهمیت و تراکم جمعیت بومی و زایر دارد که در منازل و مسافرخانه‌های این دو بخش محله قدیمی نوغان سکونت داشته‌اند.<sup>۱</sup>

محله قدیمی نوغان با وجود تغییرات تا دهه پنجاه از اهمیت برخوردار بوده و بازارها و بازارچه‌های آن از مهمترین مراکز خرید و فروش بوده است.<sup>۲</sup>

یکی از نویسنده‌گان که محله نوغان را باقی مانده شهر قدیمی نوغان می‌داند و به قراء و آبادیهای نوقان از قبیل حسین‌آباد، باقرآباد، همت‌آباد و خیرآباد و شادکن و خواجه‌ربیع و نخودک و سیس‌آباد - که برخی از آنها در زمان وی هنوز وجود داشته - استناد می‌کند، می‌نویسد: اکنون نوغان محله نسبتاً کوچکی است در شمال شرقی مشهد. سپس به معرفی مساجد قدیمی نوغان از جمله مسجد سنگی، مسجد خونی، مسجد ارگ، مسجد عربها، مسجد کشمیرها، مسجد هفت‌در، مسجد گنبدخشتی و مسجد محراب خان می‌پردازد.<sup>۳</sup> سپس به حمامهای قدیمی محله نوغان که در دهه پنجاه هنوز دایر بوده‌اند، اشاره می‌کند و نام حمامهای قدیمی باغ ارگ، حاج نوروز، چهارسو و کشمیرها را ذکر می‌کند، اما از حمامهای قدیمی و نسبتاً قدیمی دیگر همچون حمام حاج رستم و صاحبکار سخنی به میان نمی‌آورد و به دنبال آن به عنوان آخرین خیر از انبارهای قدیمی، از بناهای متروکه و در حال ویرانی و آب‌انبارهایی گزارش می‌کند که در اثر ایجاد سیستم آب لوله‌کشی بهداشتی، دیگر مورد استفاده نیستند و نام آب‌انبارهای قدیمی را همچون حوض چهل‌پایه، حوض امیر، حوض ارگ، حوض خرابه و یخدان بزرگ ذکر می‌کند.<sup>۴</sup>

تقی بینش در گزارشی جامع در توصیف این محله قدیمی در سالهای نزدیک به پیروزی انقلاب اسلامی می‌نویسد: نوغان در دهه‌های اخیر هنوز به‌عنوان یک محله اهمیت داشته و ترانه‌های قدیمی به لهجه مشهدی وجود دارد که معرف فرهنگ مشهد قدیم است.<sup>۵</sup> و سپس در معرفی فرهنگ محلات مشهد اضافه می‌کند که رقابت بین دو

۱- حجازی: همان، صص ۳۹ و ۴۰.

۲- محمد حسین خجسته مبشری: تاریخ مشهد، چاپخانه خراسان، ۱۳۵۳، صص ۳۰۲ تا ۳۳۳.

۳- شریعت رضوی: همان، ص ۴۹. ۴- همان، ص ۴۹.

۵- متن ترانه: «شیر کجا، خنش کجا، بالاخیابون، ته‌خیابون، سراب و نوغون». رک: تقی بینش، «کلیات

محلّه قدیمی سراب و نوغان به ویژه در ایام محرم که دسته‌های عزاداری راه می‌افتند، وجود دارد.<sup>۱</sup>

کوچه‌های نوغان در این زمان به همان نامهای قدیمی نامیده می‌شد، که نام این کوچه‌ها را شریعت ترشیزی در گزارشی مشروح ذکر کرده و از محلات قدیمی مرویها، بخاراویها، کشمیریها، ترکمنها، عربها و کرمانیها، و کوچه جیحون، سیاه‌آب، آب‌ماهی، گل‌خطمی، رهباردارها، قراولخانه، سراجها، علاقه‌بندها و شال‌بافها یاد می‌کند و می‌نویسد که نوغان بیشتر منطقه سکونت مهاجران شده است و از اعقاب و اولاد و ساکنان قدیمی این محلّه به ندرت در نوغان باقی مانده‌اند و اکثراً مهاجرت نموده‌اند.<sup>۲</sup>

سومین مرحله تخریب و تغییر در بدنه نوغان، مربوط به اجرای طرح فلکه حضرت با وسعت ۳۰ هکتار در سال ۱۳۵۴ ش.<sup>۳</sup> بود که بخشی مهم از قسمت جنوبی منطقه، حد فاصل نوغان و حرم مطهر از جمله باغ رضوان تخریب و بازسازی شد. طرح توسعه حریم رضوی، به وسعت ۵۷ هکتار که از سال ۱۳۶۰ ش. از طرف آستان قدس رضوی آغاز گردیده، و به دنبال آن در اجرای طرح نوسازی، بازسازی بافت پیرامون حرم مطهر حضرت رضاع) از سال ۱۳۷۱ ش. به وسعت ۳۳۷ هکتار شروع شده است که تغییرات عمده‌ای در ساختار کالبدی محلات اطراف حرم، از جمله نیمه شرقی محلّه نوغان صورت گرفته و هنوز ادامه دارد.

### وضعیت کنونی نوغان

همچون دیگر محلات قدیمی اطراف حرم مطهر، محلّه نوغان نیز در اجرای طرح جامع اماکن متبرکه رضوی به سرعت در حال تغییر و دگرگونی است. در حال حاضر

<sup>۱</sup> جغرافیایی مشهد، نخستین کنگره ایران‌شناسی (تحقیقات ایرانی). نامه آستان قدس، ش ۳، دوره نهم، ش

سلسل ۳۵۱، ص ۷۰. ۱- همان، ص ۷۰.

۲- شریعت ترشیزی: همان، ص ۵۱.

۳- محمد رحیم رهنما: «مشهد، شهری تاریخی - فرهنگی»، نشریه مشکوة، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ش ۵۸ و ۵۹، ص ۲۴۱.

نوغان شامل دو نیمه شرقی و غربی است و دو تنه خیابان طبرسی را تشکیل می‌دهد، که بخش شرقی آن از جنوب با منطقه در حال توسعه اطراف اماکن متبرکه در تماس است و از شرق به کوچه‌ها و محلات شمالی خیابان سفلی (نواب صفوی) و از شمال و غرب به کوچه‌ها و محلات فلکه و خیابان طبرسی محدود می‌شود.

در بخش شرقی نوغان با آن که ساختار قدیمی کوچه‌ها و معابر به جز خیابان گنبدخستی، چهارسو و راسته حمام حاج نوروز و کوچه سیاه‌آب به سرعت در حال تغییر است و شکل بسیاری از کوچه‌های پریپچ و خم و شیب‌دار و کم عرض قدیمی<sup>۱</sup> با تخریب و تسطیح کوچه‌ها و منازل قدیمی تغییر یافته، اما هنوز تک و توک خانه‌های قدیمی با همان سبک و سیاقی دالانهای تنگ، درهای کوتاه و حیاطهای گود به چشم می‌خورد که در مسیر خرابی است و ساختمان مدرسه قبرمیر که مؤتمن از احداث آن در محل قبرستان میر<sup>۲</sup> خبر داده متروکه است. و در محل مسجد و آب‌انبار قدیمی کشمیرها، تکیه کرمانها و چند ساختمان قدیمی و حمام قدیمی کشمیرها با بیش از هفتاد سال سابقه به چشم می‌خورد، که هنوز دایر است، اما از مسجد و آب‌انبار قدیمی کشمیرها اثری نیست؛ و بسیاری از کوچه‌های قدیمی مانند پی‌آب مسگرها و دیگر کوچه‌ها ساختار اصلی خود را از دست داده و یا نام آنها تغییر یافته است. اما تنه اصلی کوچه‌های گنبدخستی و سیاهان (سیاه‌آب) و راسته حمام حاج نوروز و چهارسوق، هنوز شکل نسبتاً قدیمی خود را حفظ کرده و دکانها و مسافرخانه‌های جدید و قدیم تنگ در تنگ در دو طرف کوچه با همان شکل و شمایل هندسی قدیمی وجود دارند.

حمام قدیمی حاج نوروز متروکه و مخروبه است اما هنوز قسمت بیرونی و اندرونی آن از پشت شیشه‌های شکسته پنجره مشرف به کوچه قابل مشاهده است. به طور کلی

۱- اینها یادگار دوران ناامنی نوغان به واسطه تهاجم ازبکها. ترکمنها و باغیان در اواخر عهد قاجاری و

اوایل عهد پهلوی است؛ رک: شریعت ترشیزی: همان، ص ۵۱.

۲- در محل نوغان شرقی قبرستانی قدیمی وجود داشته که مقبره‌ای به نام قبر میر در آنجا بوده است و متعلق به میر محمدتقی رضوی منوفی ۱۱۵۰ ق. بوده و به همین دلیل این مکان به قبر میر شهرت داشته و بعدها به نوشته مؤتمن در بخشی از آن مدرسه‌ای بنا شده که هنوز موجود است؛ رک: سالنامه

نرق، ص ۱۲۶؛ مؤتمن: تاریخ آستان قدس، ص ۳۴.

این بخش از نوغان کمتر از بخش غربی (خیابان نوغان) تغییر یافته و علی‌رغم دگرگونی در سبک زندگی مردم بومی نوغان قدیمی، این محله ضمن پذیرش مظاهر زندگی جدید، گذشته خویش را حفظ کرده است؛ به گونه‌ای که در کنار دکانها و منازل و مسافرخانه‌های قدیمی با راهروهای تنگ و پله‌های تیز و کم‌عرض و اتاقهای کوچک با سقفهای چوبی و شیروانی، منازل، حمامها، مسافرخانه‌ها و دکانهای جدید و نسبتاً جدید احداث شده و در کنار مغازه‌ها و فروشگاهها و سوپرهای جدید مجهز به شیشه سکوریت و چراغهای فلورسنت و ویترونیهای شیک، دکانهای قدیمی با درهای تخته‌ای شش و چهارگت و با سقف چوبی و درهای کوتاه و قفسه‌ها و پیشخوان چوبی وجود دارد که مزین به یخچالهای ویترونی هستند و در یک سیستم توزیع قابل توجه، هم اجناس و خوراکیهای بسته‌بندی شده و بهداشتی عرضه می‌شود و هم خوراکیهای فله و کیلویی در گونیها و پاتیلها و چاله‌های قدیمی.

از شغل‌های قدیمی بعضی مانند شغل ندافی، خراطی و تیغ‌بندی، فراموش شده و برخی هم چون قصابی و کفاشی و بقالی با تغییر ساختار وجود دارند و بعضی از مغازه‌ها از قبیل خرازی به عرضه اجناس قدیمی و سنتی و جدید می‌پردازند به طوری که در یک خرازی کمرکش کوچک سیاه‌آب، از رحل قرآن و قندان و بلورجات گرفته تا چلک و پشم‌ریس و شانه قالی‌بافی و سرچق و پاشنه کش فلزی و بیل و الک و دستوک و انبر زغالی و آتش جرق‌کن، سیخ کباب و خمیر پهن‌کن تا ته قلیان، سنگ پا، بادگیر غلیان و عصای چوبی و منقل یافت می‌شود.

در بخش غربی محله قدیمی نوغان، علی‌رغم وجود نشانه‌های بیشتر از آثار قدیمی در کوچه‌ها، در خیابان اصلی نوغان (راسته نوغان) تغییر و دگرگونی چشمگیرتر است، اما در عین حال هنوز نشانه‌های فراوانی از نوغان قدیم به چشم می‌خورد. مساجد، خانه‌ها، کاروانسراها و حمامهای قدیمی، بازسازی شده و به کثرت در کوچه‌ها و خیابان اصلی دیده می‌شوند. از مسجد پل سنگی خبری نیست و در محل سابق دروازه نوغان - که در نزدیکی آن قورخانه قرار داشته و با اخذ صنار، پته عبور به صاحبان چهارپا داده می‌شده - خیابانی آسفالتی با ساختمانهایی در دو طرف دیده می‌شود و از مسجد پی‌آب ردپایی نیست و اینک در انتهای خیابان آسفالتی حدفاصل فلکه طبرسی و خیابان آیت‌الله کاشانی (دریادل) که به همان نام قدیمی نوغان نامیده می‌شود، در حاشیه غربی

محل سابق دروازه نوغان با اندکی فاصله از دبیرستان حاج تقی آقا بزرگ از باره و خندق پشت آن و باغ خرابه، اثری دیده نمی‌شود؛ و در محل سابق کمپ نفت روسها و باغ خرابه، خیابانها و کوچه‌های جدول‌دار و آسفالت و مغازه‌های جدید احداث شده است. از جمله یادگارهای قدیمی راسته نوغان، آهنگری حدود ابتدای خیابان نوغان است که هنوز در همان مغازه کوچک و کم ارتفاع با درهای چهارلت چوبی و کوره و ابزار قدیمی و پتک و سندان، و در زیر سقف چوبی دود زده، نعل و زنجیر و افسار و داس و بیلچه باغبانی و زلف زنجیر و شب‌بند و میخ چادر، انبر میخ‌کش و میخ طویله و گیره ساخته می‌شود.

از آب‌انبارهای قدیمی که تا حدود سال ۱۳۵۰ تعدادی وجود داشته و شریعت‌ترشیزی از آن خبر می‌دهد، دیگر اثری نیست و اکثر آنها یا تخریب و تبدیل به مغازه و منزل شده و یا مخروبه و متروکه و پر شده است.

مساجد قدیمی همچون مرویها و محراب خان و پل سنگی و مساجد نسبتاً قدیمی ترکها، سجادیه، درخت توت و هفت در، با همان نام قدیمی بازسازی شده‌اند و مسجد کردها در تپ‌المحله بعد از بازسازی به مسجد حمزه سیدالشهداء تغییر نام داده و حسینیه محمدجعفر در کوچه فروزان در دست بازسازی است و مسجد «خوردو» که بازسازی و به مسجد امام جعفر صادق تغییر نام داده، در کوچه‌ای به همین نام قرار دارد.

مسجد کوچک ارشاد و حسینیه مکتب خیرالنساء در خیابان بهاء‌التولیه و مساجد و حسینیه‌های بسیاری در کوچه پس‌کوچه‌های تپ‌المحله و محلات نوغان وجود دارند. از حوض چهل پله ارگ واقع در روبه‌روی تکیه قاسمی که از آب جوی خیابان پر می‌شده، خبری نیست و در محل سابق آن بازارچه و سرای ایجاد شده و محل سابق حوض امیر تبدیل به مسجد حوض امیر شده و قسمت زیرین آن بازسازی و برای آشپزخانه مسجد، مورد استفاده است و حوض مرویها در تپ‌المحله پر شده و در روی آن منزلی ایجاد شده و فقط یک آبخوری با یک شیر آب و کتیبه‌ای مبنی بر وقف آب در بالای آن به یادگار مانده است و مقابل حوض حاج باقر در کوچه مسجد کردها و آب‌انبار حاج مهدی در کوچه طاهر عطار دیوار شده و مخروبه است و اطراف و محل حوض حاج محمد واقع در کوچه بهاء‌التولیه، مسجد و بنا ساخته شده و از حوض «خوردو» واقع در روبه‌روی مسجد هفت در، ردپایی نیست و گرمابه قدیمی حاج



رستم و صاحبکار و گرمابه‌های نسبتاً قدیمی گلشن، کشمیری و کوثری در تپ المحله بازسازی شده و هم‌اکنون دایر است و حمامهای قدیمی جعفریک دست (چلقله) و حمام توکلی واقع در کوچه امام جعفر صادق (ع) مخروبه و متروکه است.

در مقابل کوچه هشت متری محله نوغان، کاروانسرای مخروبه‌ای با همان در چوبی بزرگ وجود دارد و در کوچه بختیاری، منزلی مجلل و قدیمی با حدود نود سال سابقه ساخت به چشم می‌خورد که بخشهایی از بنا با گذشت زمان تخریب و با سیمان و گچ به صورت ساده مرمت شده اما هنوز بخشی از تاج بالای ایوان جنوبی و ستونهای آجری مدل‌دار که با سبکهای جناغی و لاپوش مزین شده‌اند و درهای چوبی پنجره فارسی و کاشیهای رنگی در پیشانی ساختمان که اطراف آن با گره‌سازی مزین شده و کتیبه‌ای بر کاشی آبی‌رنگ به تاریخ ۱۳۳۰ ه.ق مکتوب می‌باشد، قابل مشاهده است.

پادر و حوضی جلوی منازل که با دو سکوی طرفینی و سردر مزین به تاج و آجرهای مدل‌دار و در چوبی دو لت در گودی پایین نیم‌دایره متصل به کوچه و غلام گردشی ابتدای حیاط و سوراخهای گره‌رو زیر خانه و پله‌های آجری از جمله مختصات بسیاری از منازل قدیمی موجود در نوغان بوده است که اکنون به جز تعدادی معدود با گذشت زمان از میان رفته‌اند. اما هنوز در این محله، خانه‌های معمولی بسیاری دیده می‌شوند که سقف‌های چوبی و بامهای گلی دارند، با دالانهای تنگ و درهای کوتاه چوبی مزین به درکوب آهنی که شبها با کلون بسته می‌شوند و در درون حیاط مربع مستطیل آن که در دورتادور حیاط به سبک معماری قدیم مشهد، اتاقها در دو طبقه با ایوانهای کم‌عرض مقابل و درهای چوبی دو لته وجود دارد که با پشت‌دریهای گلدوزی شده زینت یافته‌اند و شب‌بند دارند.

حیاط آجری پوش با حوض گرد و گود وسط و باغچه‌های بزرگ قرینه‌ای و دیوارهای پهن، و وسایل قدیمی در این منازل همچون آفتابه مسی، جالباسی چوبی دیوارکوب و... خبر از نوع زندگی چندین دهه قبل مشهد را می‌دهد.

نمای آجری ساختمان در درون حیاط و آجرکاری بر پیشانی طبقه همکف و بالا، و ستونها و اطراف پنجره‌ها، که با سبکهای سم آهویی و دندان موشی و گره‌سازی و صندوق چینی و درقناسها و برآمدگیها و فرورفتگیهای بدنه ساختمان، با آجرهای خفته و راسته و جناغی و گاه رگ‌بندی کاشی زینت یافته‌اند، همه از قدمت ساختمان صحبت

می‌کنند و هنوز در این خانه‌ها و بر روی دیوارهای پهن، طاق و طاقچه و گچ‌بری دیده می‌شود.

در نوغان، علی‌رغم تخریب بسیار، هنوز بافت کالبدی شهر قدیمی مشهد، با همان کوچه‌های شیب‌دار و تنگ و نامنظم و پیچ‌پیچ محفوظ مانده و با آثار به جا مانده از ادوار تاریخی، این محله در حکم مجموعه‌ای است تاریخی که جلوه‌های فرهنگی - تاریخی مشهد قدیم را معرفی می‌نماید و علی‌رغم عقب‌نشینی سریع سبک زندگی سنتی در نوغان، در یک توافق مسالمت‌آمیز، در کنار مظاهر زندگی جدید شهری، هنوز آثار و علایم زندگی حداقل یکصد ساله مشهد قدیم به چشم می‌خورد؛ و بوی کاهگل، نامهای آشنا و قدیمی، کوچه‌های پله‌دار، گاری‌دستیها، فروشندگان و دوره‌گردهای آوازه‌خوان، قهوه‌خانه‌های سنتی، حمامهای قدیمی و... به راحتی هر رهگذر علاقه‌مند به تاریخ و فرهنگ را که پا به چهارسوق و کوچه‌های تنگ نوغان بگذارد، برای لحظاتی با مشهد جدید بیگانه می‌سازد.

با وجود تخریب و تغییر بخشهای مختلف نوغان در چند دهه اخیر، هنوز آثار بسیاری از بناهای قدیمی در این محله وجود دارد که می‌توان در آن به جست‌وجوی سیر تکامل شهری و جلوه‌های فرهنگی شهر تاریخی مشهد پرداخت.

ماندگاری و توجه به محافظت نوغان قدیمی و دیگر محلات مشهد همچون سراب، عیدگاه، پایین‌خیابان و... عاملی است مهم تا با وجود تغییر بافت و ساختار شهری، نشانه‌های تاریخی محفوظ بماند و گرنه پس از مدتی نام این محلات و خیابانها نیز همچون نام عیدگاه، عشرت‌آباد، هشتاباد، ارگ، بی‌سیم و چهارباغ - که هنوز هم در بین مشهدیهای قدیمی با همین نامها خوانده می‌شود - پس از مدتی همانند نام قتلگاه، سرحوضان، سرسوق و... به فراموشی سپرده شود، لذا علی‌رغم لزوم اجرای طرحهای نوسازی در بافت قدیمی شهر، توجه جدی به حفظ نشانه‌های تاریخی، از جمله مسائل مهمی است که می‌تواند در حفظ هویت فرهنگی شهر قدیمی و تاریخی مشهد نقش داشته باشد.